

## بهترین آثار داستانی سال ۱۸۲۰ به انتخاب مجله تایم

بازدیک شدن به پایان سال میلادی، مجلات وروزنامه‌های مختلف خارجی، فهرستی از بهترین‌های آثار داستانی، غیرداستانی وادبیات کودک چاپ‌شده در آن سال رامعرفی می‌کنند.مجله تایم هم، امسال نیز مانند سال‌های گذشته، بهترین‌های ادبیات داستانی رامنتشر کرد که اثر یک نویسنده ایرانی نیز در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. داستان «اتاق مریخی» نوشته ریچل کوشر، رمان «عدم تقارن» نوشته لیسا هیلیدی، داستان «ازدواج آمریکایی» به قلم تاییری جونز، کتاب «سال آرامش و استراحت مطلق من» نوشته آنوسا مشفق، داستان «واشنگتن سیاه» نوشته اسی ادوکیان و کتاب «فرداستان» به نویسندگی ریچارد پاورز، در بین بهترین آثار داستانی سال ۱۸۲۰ از منظر مجله‌تایم قرار دارند.

**یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۷** ● شماره صد و هشتاد

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

## رانپوو شکارو تاریکی



**حسین سبحانی**

● **روزنامه نگار**

ژاپنی‌ها آدم‌های عجیب و غریب و جالبی هستند. شاید دیده باشید که در انیمه‌ها و مانگاهایشان، داستان‌هایی را روایت می‌کنند که به عقل جن هم نمی‌رسد و البته بعضی آثارشان در نوع خود جزء بهترین‌هاست. پس تعجبی ندارد که نویسنده‌ای ژاپنی پیدا شود و با ایده‌ها و داستان‌های عجیب و غریبش ذهن خواننده را به بازی بگیرد. «ادوگاوا رانیو» با نام اصلی «هیرائی تارو»، با الهام از نام «ادگار آلن پو» این اسم را برای خود برگزید و از همین ماجرا می‌توان به علایق و سبک نوشتارش پی برد. داستان‌های «رانپو» فضایی معمایی دارد و قوه تخیل این نویسنده قرن بیستمی آن قدر قوی است که خواننده را وارد فضایی وهم‌آلود می‌کند و هم‌آلود اما باورپذیر.

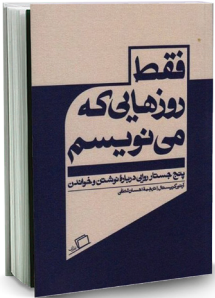
«شکار و تاریکی» اولین کتابی است که از ادوگاوا رانیو به فارسی ترجمه شده است. داستان بلندِ حدودا صد صفحه‌ای که ماجرای زنی را روایت می‌کند که با نویسنده‌ای ارتباط برقرار کرده و راز نامه‌های تهدیدآمیزی را که دریافت می‌کند، با او مطرح می‌سازد. شخصیت‌ها، فضاسازی‌ها و داستان جذاب و پرکشش رانیو، خواننده را با اشتیاق تا انتهای داستان می‌کشاند. رانیو را باید



**پنج جستار روایی در باره نوشتن و خواندن، آرتور کریستال، احسان لطفی**

## فقط روزهایی که می نویسم...

جستار روایی» نیز هست، به سخن مترجمی برمی‌خوریم که تفاوت چندانی با جستارها ندارد. «احسان لطفی که پیشینه چندین سال فعالیت مطبوعاتی و ترجمه آثار متنوعی در مجلات ادبی و سینمایی دارد و نامش با نشریات همشهری خصوصا «همشهری داستان» گره خورده، با قلمش توانسته لحن جستارهای کریستال را با رعایت امانت در ترجمه حفظ کند و سهم خواننده را در حفظ خواندن متن افزایش دهد. این کتاب در پنج فصل با نام‌های «سخنگوی تبل‌ها»، «لذت‌های گناه‌آلوده»، «وقتی نویسنده حرف می‌زند»، «زندگی و نویسندگی» و «دیگر کتاب نمی‌خوانم» چاپ شده به علاوه اینکه در انتهای هر فصل بی‌نوشت‌هایی نیز برای رفع هرگونه ابهام برای مخاطب فارسی‌زبان منتشر شده است. چاپ پنجم این کتاب در ۱۲۰ صفحه و با قیمت ۱۴۰۰ تومان به مخاطبان ارائه شده است.



داستان دختری به نام «آینه» است که

تحت‌تأثیر رفتار افراد قبیله‌اش که نشأت گرفته از سنت‌های قدیمی است، گام در سفری ناشناخته می‌گذارد، با آدم‌های زیادی آشنا می‌شود و ماجراهای بسیاری را از سر می‌گذراند. از نقاط قابل توجه این کتاب، فاصله‌گذاری‌هایی است که نویسنده ایجاد کرده. او در مواقعی خودش وارد داستان می‌شود و با شخصیت اول رمانش گفت‌وگو می‌کند. از دیگر نکات قابل اشاره، طرح جلد زیبایی است که توسط ابراهیم حقیقی طراحی شده. این کتاب در سال ۱۳۹۶ به چاپ چهاردهم رسیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

## کولی کنار آتش

منیرو روانی‌پور، در بوشهر متولد شده و شاید از ادای احترام و دبستگی او به جنوب ایران است که اکثر داستان‌هایش در جنوب کشور می‌گذرد. اولین کتابش به نام «کنیزو» شهرت قابل قبولی برایش به همراه آورد. پس از آن، تعداد زیادی داستان کوتاه و چند رمان نوشت و داستان «رعنا» یش از مجموعه نازلی، برنده دوره سوم جایزه گلشیری شد. رمان «کولی کنار آتش» از قلم توانای این نویسنده، در سال ۱۳۷۸ توسط نشر «مرکز» منتشر شد. این رمان ۲۱۸ صفحه‌ای،

«من هم روزگاری نامی داشتم. اکلیما...»

«تنها زندگی می‌کنی اکلیما؟»

«نه، یاد کسی با من است، چه کسی

می‌تواند تنها زندگی کند...»

منیرو روانی‌پور، استاد نوشتن جملاتی است که خواننده را سر جای خود میخکوب می‌کند. او ترکیباتی به‌کار می‌برد که مختص خود منیرو روانی‌پور و امضای نویسنده‌ی اوست. مثل جایی که شخصیت اول داستان در قهوه‌خانه بی‌رهی تنها مانده و «غصه در جانش سنگ شده» یا جایی که در میان رهگذران، ناگهان احساس می‌کند که «انگار تمام شاهدان جهان گریخته‌اند و دستی در کار بسامان کردن تاریکی است...»

غیرداستانی و ادبیات کودک چاپ‌شده در آن سال را معرفی می‌کنند.

مجله تایم هم، امسال نیز مانند سال‌های گذشته، بهترین‌های ادبیات داستانی را منتشر کرد که اثر یک نویسنده ایرانی نیز در میان آن‌ها به چشم می‌خورد.

داستان «اتاق مریخی» نوشته ریچل کوشر، رمان «عدم تقارن» نوشته لیسا هیلیدی، داستان «ازدواج آمریکایی» به قلم تاییری جونز، کتاب «سال آرامش و استراحت مطلق من» نوشته آنوسا مشفق، داستان «واشنگتن سیاه» نوشته اسی ادوکیان و کتاب «فرداستان» به نویسندگی ریچارد پاورز، در بین بهترین آثار داستانی سال ۱۸۲۰ از منظر مجله‌تایم قرار دارند.

# ویس‌شده

کتابگردی

## غول بزرگ مهربانِ رولد دال



**مهر آذین بشیری راد**

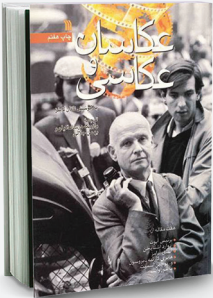
● **روزنامه نگار**

«پنجره، پشت پرده باز بود، اما صدای پای کسی از پیاده‌رو شنیده نمی‌شد. صدای ماشینی هم از خیابان به گوش نمی‌رسید. سوفی ترنر گوش‌هایش را تیز کرد، اما کوچک‌ترین صدایی نشنید. تا آن موقع با چنین سکوت عمیقی برخورد نکرده بود. تنوی دلش گفت، نکند این همان موقعی است که بهش می‌گویند ساعت و زمانِ بنای جادوگری...»

حتی اگر از دوران کودکی‌مان زمان زیادی گذشته باشد، باز هم داستان غول مهربان و خیرخواهی که رویاهای رنگین را توسط شیپورش درون خواب بچه‌ها فوت می‌کند، به اندازه کافی هیجان‌انگیز و جذاب است! «غ.ب.م.» یا «غول بزرگ مهربان» نام یکی از کتاب‌های «رولد دال»، نویسنده سرشناس نروژی‌تبار است که از ۲۶سالگی به نوشتن داستان‌های کوتاه پرداخت و به‌خاطر داستان‌های پرکشش‌اش در ژانر کودک و نوجوان، به شهرت رسید. غول بزرگ مهربان، داستان غول خواب‌فوت کنی است که با همکاری دختر بچه‌ای به نام سوفی به جنگ سایر غول‌ها مثل «غول خون در شیشه کن» و «غول بچه‌جو» می‌رود. در مقدمه کتاب آمده: «لحن تند و تهاجمی و در عین حال شیرین و جذاب داستان‌های رولد دال، خواننده را کلمه به کلمه به‌دنبال خود می‌کشاند.» تصویرسازی‌های «کوئنتین بلیک» نیز در لطافت و شیرینی فضای داستان، نقشی

## عکاسان و عکاسی، ناتان لاینز

کرده‌اند که همین نشانی است از تعهد و خوش‌ذوقی مترجمان کتاب «عکاسان و عکاسی». ضمن خواندن این کتاب می‌فهمیم که عکس خوب چه زمانی ایجاد می‌شود و عکاسی خوب یعنی چه. «ماینور وایت» در میان مقاله‌اش تحت عنوان «چشم‌و‌ذهن دوربین‌وار» می‌گوید: «عکاس، خود را در معرض هرآنچه می‌بیند قرار می‌دهد و خود را با همه چیز تطبیق می‌دهد تا آن را بشناسد و بهتر احساسش کند. رسیدن به این حالت ذهنی تهی، نیازمند تلاش و شاید انضباط است. او در نتیجه این حالت ذهنی، بسیار دوست می‌دارد، بسیار تنفر می‌ورزد و به زمینه‌های بی‌تفاوتی خود آگاه است.» این کتاب که در سال ۱۳۹۲ به چاپ هفتم رسید، ۱۴۰ صفحه دارد و در عین کوتاهی، دید خوبی به عکاسان آماتور و علاقه‌مندان به این حوزه می‌دهد.



### «سه کاهن» برنده جایزه جشنواره اوراسیا

درست است که یک هفته از سالروز میلاد پیامبر اکرم(ص) گذشته، اما حیفمان آمد که این مناسبت را از دست بدهیم و به اثری نپردازیم که هم درباره رسول اکرم(ص) است و هم به قلم مجید قیصری به رشته تحریر درآمده تا جایی که به‌عنوان گنجینه نثر ادبی در جشنواره اوراسیا شایسته دریافت جایزه، شناخته شده است.داستان سه کاهن که توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده به یک روز از زندگی پیامبر اکرم(ص) در سن چهار سالگی اختصاص دارد. در

درست است که یک هفته از سالروز میلاد پیامبر اکرم(ص) گذشته، اما حیفمان آمد که این مناسبت را از دست بدهیم و به اثری نپردازیم که هم درباره رسول اکرم(ص) است و هم به قلم مجید قیصری به رشته تحریر درآمده تا جایی که به‌عنوان گنجینه نثر ادبی در جشنواره اوراسیا شایسته دریافت جایزه، شناخته شده است.داستان سه کاهن که توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده به یک روز از زندگی پیامبر اکرم(ص) در سن چهار سالگی اختصاص دارد. در



● **مریم فرهنگ‌ی**

### خاطرات پس از مرگ براس کوباس

نویسنده: ماشادو دآسیس

ترجمه: عبدالله کوثری، ۲۹۳صفحه

سال چاپ: ۱۳۸۲- انتشارات مروارید

«تقدیم به اولین کرمی که بر کالبدم افتاد...» این تنها جمله تقدیم‌نامه کتاب «خاطرات پس از مرگ براس کوباس» نوشته ماشادو دآسیس است که هوشمندی و طنازی نویسنده را در همان دم، آشکار می‌کند. ترفندی که در فصول مختلف تکرار می‌شود تا خواننده را تا انتها با خود همراه کند. چیزی که سوزان سونتاگ، نظریه‌پرداز ادبی آن را در نقد دوازده صفحه‌ای خود در ابتدای کتاب این‌گونه شرح می‌دهد: «این رمان متعلق به سنت روایت لوده‌وار است که می‌کوشد خود را برای خواننده شیرین کند و از «لاورنس استرن» آغاز شده و به پِکت می‌رسد...» «خاطرات پس از مرگ براس کوباس»، اولین اثر بزرگ «ماشادو دآسیس» نویسنده مشهور برزیلی است که در سال ۱۸۸۰ به چاپ رسید. کتاب در واقع زندگینامه خیالی است از یک سیاست‌مدار گوشه‌گیر و مرفه که پس از مرگ خود تصمیم گرفته آن را بنگارد. در ابتدای کتاب می‌گوید: «من نویسنده‌ای فقید هستم، اما نه به‌معنای آدمی که چیزی نوشته و حالا مرده، بلکه به‌معنای آدمی که مرده و حالا دارد می‌نویسد.» و این خود آغازی است که رانالیسم داستان را در هر ۱۶۰ فصل کوتاه و بلندش نقض می‌کند. نویسنده ابتدا به‌جای تولد، داستان را از مرگ راوی شروع می‌کند. او در حالی که داستان ساده عاشقانه-فلسوفانه‌ای را روایت می‌کند، طنزهای خلاقانه و در عین حال مدرنی را به‌کار می‌برد که باورپذیر نیست ۱۳۰سال از نوشتن آن‌ها می‌گذرد. «د آسیس» در لابه‌لای داستان، مدام خواننده و حتی منتقد را مخاطب قرار داده و در مورد روند داستان توضیحاتی می‌دهد و در فصول انتهایی به‌ستوه می‌آید که: «پناه بر خدا! یعنی من همه چیز را باید برایتان شرح دهم!» این «براس کوباس» راوی دوست فیلسوف و نیمه‌دیوانه‌ای به نام «کینکاس بوربا» دارد که در اواخر عمر او همراه همیشگی‌اش می‌شود و ۱۲سال بعد، نام‌دومین اثر «د آسیس» را به خود اختصاص می‌دهد.

«کینکاس بوربا» (۱۸۹۲) و «ژن کاسمورو» (۱۹۰۰) دو اثر شاخص دیگر این نویسنده برزیلی است. هر دو این آثار توسط مترجم متخصص آمریکای لاتین، عبدالله کوثری ترجمه شده که شوخ‌طبعی و روایت صریح «د آسیس» را با ترجمه روان خود دوجندان کرده است.دآسیس برزیلی، که شاید نام او کمتر در ادبیات جهان شنیده شده باشد، بر خلاف نویسندگان بزرگ اسپانیایی زبان آمریکای لاتین (بورخس، فوئنتس...) به زبان پرتغالی می‌نوشته که همین باعث شده تا کشورهای منطقه با نوعی نخوت نژادپرستانه به آثارش بنگرند و آن‌ها را بسیار بدتر از زبان انگلیسی، در سال ۱۹۶۰، یعنی هشتاد سال پس از نگارشش ترجمه کرده و بخوانند در واقع احتمالاً بورخس هیچ چیز از ماشادو دآسیس نخوانده بود! اما آنچه که «دآسیس» را برجسته و متمایز می‌کند طنزست که در آثارش وجود دارد. او از سلامت جسم بی‌بهره بود، لکنت زبان داشت و احتمالاً مبتلا به صرع. شاید مشکلات جسمانی یکی از سرچشمه‌های طنز او باشد. او حتی عناصر نیچه‌ای را که در تفکر براس کوباس راوی وجود دارد، به تمسخر می‌گیرد. صحبت با خواننده، کند کردن، شتاب دادن، حذف کامل یک قسمت، شرحی پر طول و تفصیل، خودداری از شرح، همه و همه از زبان «من» راوی، از ویژگی‌های دیگر این کتاب است که باعث می‌شود خواندن این اتوبیوگرافی خیالی همچنان جذاب باشد.

